

بررسی رابطه آموزه های دینی و عزت نفس با سازگاری اجتماعی دانش آموزان دوره اول متوسطه شهرستان میبد

فاطمه نجیبیان^۱، ریحانه دانایی فر^۲، الهه دلاک رکن آبادی^۳

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد

^۲ کارشناسی ارشد تربیت بدنی رفتارحرکتی دانشگاه یزد

^۳ کارشناسی رشته روانشناسی دانشگاه اردکان

چکیده

هدف از پژوهش، بررسی رابطه آموزه های دینی و عزت نفس با سازگاری اجتماعی دانش آموزان دوره اول متوسطه شهرستان میبد می باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و تحقیق توصیفی می باشد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دوره اول متوسطه شهرستان میبد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ می باشد که تعداد آن ها ۳۶۱۲ نفر می باشد؛ که از این تعداد ۱۷۹۰ نفر دختر و مابقی پسر است. نمونه آماری این پژوهش از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۱)، استفاده و استخراج می شود که ۳۳۰ نفر می باشد که بصورت تصادفی از میان دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه از پایه های هفتم، هشتم و نهم دانش آموزان پسر از پایه های هشتم و نهم (به خاطر شرایط سنی، از پایه هفتم پسر انتخاب نشدند) شهرستان میبد انتخاب شدند. وسیله اندازه گیری در این پژوهش، پرسشنامه می باشد برای اندازه گیری آموزه های دینی از پرسشنامه معبد، و برای اندازه گیری عزت نفس از پرسشنامه عزت نفس آیزنگ و پرسشنامه سازگاری اجتماعی سینها و سینگ برای اندازه گیری سازگاری اجتماعی استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که بین آموزه های دینی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد.

واژه های کلیدی: آموزه های دینی، عزت نفس، سازگاری اجتماعی

مقدمه

اجتماعی شدن، یک فرآیند دو جانبه ارتباطی میان فرد و جامعه است و در طول حیات انسان این فرایند در دو مقوله یادگیری و یاددادن ادامه می یابد و سازگاری اجتماعی در قالب این فرایندها صورت می گیرد. به طور کلی موجود زنده برای ادامه حیات مفید خود به سازگاری با محیط پیرامون خویش نیازمند است. سازمان روانی و عملکردهای جسمانی ما به گونه ای طرح ریزی شده است که بخوبی قادر باشند، این انطباق و سازگاری را در سایه تفکری صحیح برای ما به ارمغان بیاورند. (آذین، ۱۳۹۰)

سازگاری و در راس آن سازگاری اجتماعی یک مفهوم نسبی است و تحت تاثیر فرهنگ ها و اعتقادات از جامعه ای با جامعه دیگر فرق می کند. به عنوان مثال شاید رفتاری خاص در کشوری مسلمان سازگار تلقی شود؛ ولی در کشوری دیگر و بر حسب اعتقادات آنان ناسازگارانه باشد. از طرفی دیگر رفتار آدمی تحت تاثیر عوامل مختلفی؛ از جمله خانواده، مدرسه، گروه همسالان و سایر عوامل اجتماعی قرار دارد و شخصیت انسان در صورتی به کمال می رسد که بین او و محیط پیرامونش تعادل و تعامل مناسبی صورت پذیرد. فشارهای اجتماعی بوضوح تاثیر فراوانی بر رفتار فرد دارد. از طرفی دیگر انسان موجودی انعطاف پذیر است. او نه تنها با محیط سازگار می شود؛ بلکه محیط را بر طبق خواسته های خود دگرگون می کند. بنابراین سازگاری و هماهنگ شدن با خود و محیط پیرامون خود برای هر موجود زنده ای ضرورتی حیاتی است، تلاش روزمره آدمیان جملگی بر حول سازگاری دور می زند. در شکل گیری سازگاری اجتماعی عواملی چون شیوه های تربیتی، عوامل آموزشی، ارزش ها و اعتقادات حاکم، گروه همسالان، خانواده و آموزش و پرورش موثر است. (آذین، ۱۳۹۰)

سالهای نوجوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل روانی فرد به شمار می رود. در این دوره نیاز به درک ارزش وجودی خویشتن خودآگاهی با انتخاب هدف های واقعی در زندگی، استقلال عاطفی از خانواده، حفظ تعادل روانی و عاطفی خویش در مقابل عوامل فشارزای زندگی و محیطی و برقراری روابط سالم با دیگران، شناخت زندگی سالم و مؤثر و چگونگی برخورداری از آن مهم ترین نیازهای نوجوان می باشد. به سبب بروز مسائل خاص، این دوره، با نوعی سردرگمی همراه با کاهش عزت نفس، خودکم بینی و خودپنداره منفی همراه با احساس خشم و پرخاشگری همراه است که سبب کاهش فعالیت های طبیعی و تعاملات اجتماعی می شود.

در طول هزاران سال گذشته این مطلب ثابت شده است که انسان نیاز دارد خود را خوب بداند و تمام کارکردهایش را اخلاقی و منطقی جلوه دهد. بسیاری از روانشناسان این نظریه را پذیرفته اند که انسان به عزت نفس نیازمند است. از میان این افراد کارن هورنای روشی را که توسط آن افراد تلاش می کنند، خودپندارهای خوب و مطلوب از خویش به دست آورند و از آن دفاع کنند مورد بحث قرار داده است. برخورداری از اعتماد به نفس قوی، قدرت تصمیم گیری و ابتکار، خلاقیت و نوآوری، سلامت فکری و بهداشت روانی، از جمله مفاهیمی است که رابطه مستقیم با عزت نفس یا احساس خود ارزشمندی فرد دارد. برای اینکه فرد بتواند از حداکثر توانمندیهای ذهنی و بالقوه خود استفاده کند، باید از نگرش مثبت به محیط اطراف و انگیزه غنی برای تلاش برخوردار باشد از برجسته ترین ویژگیهای صاحبان تفکر واگرا، داشتن عزت نفس یا احساس خودارزشمندی بالاست. منظور از عزت نفس، احساس و تصویری است که فرد به مرور زمان نسبت به خویشتن در ذهن می پروراند. لذا ارتقا عزت نفس در کودکان و نوجوانان از مهمترین وظایف اولیا و مربیان است که در این باره بیشترین نقش برعهده الگوهای رفتاری است. (سام کن، ۱۳۹۳)

بنابراین نوجوانان در این دوره، نیازمند دریافت رهنمودهای اساسی برای نیل به عزت نفس بالا و کسب هویت مستقل و باارزش هستند تا بتوانند به پیشرفت، موفقیت، سلامت و سعادت نایل گردند. مذهب می تواند در تمامی موقعیتها، نقش مؤثری داشته

باشد و در ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی فرد، فعالیت‌های مقابله، منابع حمایتی عزت نفس و سازگاری در جامعه، سبب کاهش گرفتاری روانی شود. بر این اساس، مدت‌هاست که تصور می‌شود بین مذهب و عزت نفس و سازگاری اجتماعی، ارتباط مثبتی وجود دارد و اخیراً نیز روان‌شناسان مذهب، حمایت‌های تجربی بسیاری را در این زمینه جلب نموده‌اند. به همین منظور هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه آموزه‌های دینی و عزت نفس با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول شهرستان میبد می‌باشد. امید است که این پژوهش بتواند در جهت افزایش دانش در زمینه‌های اجتماعی و آموزه‌های دینی مؤثر باشد و همچنین برای نوجوانانی که دارای سازگاری اجتماعی و عزت نفس پایین هستند، مفید باشد.

دوره نوجوانی مرحله پرکشمکش و گاه دشواری در زندگی است و یکی از بحرانی‌ترین مراحل رشد و بلوغ فکری و اجتماعی فرد است. نوجوانی دوره حساسی از زندگی هر فرد را شامل می‌شود و به علت اهمیت این دوران، مطالعه این قشر از جامعه در اولویت کار محققان قرار گرفته است. عوامل گوناگونی بر سلامت روانی نوجوانان تأثیرگذارند. آموزه‌های دینی و مذهبی، عزت نفس و سازگاری اجتماعی آنان را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین عوامل نام برد.

آموزه‌های دینی در زندگی نوجوانان محصل تأثیر فراوانی را به همراه دارد. همراه با رشد هویت نوجوانی، جستجوی معنوی برای دستیابی به معنی زندگی نیز آغاز می‌شود و در آستانه بلوغ و نوجوانی با ظهور تدریجی تفکر انتزاعی در ذهن کودک مفهوم خداوند نیز تغییر می‌کند و به صورت یک روح عظیم در می‌آید؛ و در سال‌های بعدی فکر نوجوان بیش از پیش به خداوند و مذهب و دیگر مسائل مهم زندگی جلب می‌شود (لطف آبادی، ۱۳۹۴) رفتارها و عقاید مذهبی، تأثیر مثبتی در معنا-دار کردن زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به خداوند، عبادت، زیارت و... می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شوند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی و... همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با دارا بودن آنها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند (یانگ، ۲۰۱۷) باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است تا حد بسیاری، اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد، به طوری که اغلب افراد مؤمن، ارتباط خود را با خداوند، مانند یک دوست بسیار صمیمی، توصیف می‌کنند و معتقدند می‌توان از طریق اتکا و توسل به خداوند، اثر موقعیت‌های غیر قابل کنترل را به طریقی کنترل نمود (لطف آبادی، ۱۳۹۷).

وایلد^۱ و همکاران او نشان دادند که ۲۰ تا ۶۰ درصد متغیرهای سلامت روانی افراد بالغ را باورهای مذهبی تبیین می‌کنند. (محمدیان، ۱۳۹۹) در مطالعه دیگری، وینفیلد^۲ نشان داد که در یک نمونه ۱۶۵۰ نفری با میانگین سنی ۵۰ سال، نگرش‌های مذهبی با عزت نفس، رابطه مثبتی دارند (ویلفرد، ۲۰۰۵) بنابراین به نظر می‌رسد که مذهبی بودن و روحیه و رفتار دینی داشتن، بخشی از ویژگی‌های شخصیتی به حساب می‌آیند و باید به مطالعه رابطه آنها با سایر سازه‌های روانی پرداخته شود. از طرف دیگر، روان‌شناسانی که در حوزه سازه‌های روانی مطالعه کرده‌اند، عزت نفس را عاملی مهم در زندگی افراد به شمار آورده‌اند و استفاده از اصول مذهبی و اخلاقی را در رشد و پیشرفت آنان متذکر شده‌اند. همچنین گراناچر^۳ معتقد است که رشد و تحول اخلاقی که در اثر اعمال مذهبی روی می‌دهد، در رشد عزت نفس دانش‌آموزان نقش مهمی دارد. بدون وجود یک

1. Wilde.
2. Winifield.
3. Granacher

راهنمای اخلاقی که افراد را در استفاده از استعدادهایشان راهنمایی کند، عزت نفس در رشد بالنده قرار نمی گیرد (گردچرد، ۲۰۱۸)

عزت نفس ارزش یا احترامی است که فرد برای خویش قائل است، به عبارت دیگر دید مثبت یا منفی فرد نسبت به خودش میباشد عزت نفس، از دو بخش به هم مرتبط تشکیل می شود: یکی، داشتن احساس اطمینان در برخورد با چالش های زندگی و دیگری، احساس داشتن برخورداری از صلاحیت برای خوشبخت شدن. عزت نفس یکی از ویژگیهای شخصیت بهنجار است و شخصی که عزت نفس دارد خود را به گونه مثبتی ارزیابی نموده و برخورد مناسبی با خود و دیگران دارد (اناری، ۱۳۹۸) بنابراین نیاز به عزت نفس یا احترام به خود یکی از نیازهای روانشناختی در انسان است که ارضای درست و واقع بینانه ی آن منجر به پیامدهای مثبت و کارآمدی شده و از طرف دیگر عدم توجه به این نیاز منجر به احساس حقارت و درماندگی گردیده و باعث کاهش عملکرد فرد خواهد شد. با افزایش عزت نفس، احساس توانمندی در فرد به وجود می آید و تغییرات مثبتی همچون پیشرفت تحصیلی، افزایش تلاش برای کسب موفقیت، داشتن اعتماد به نفس بالا، بلند همت بودن و تمایل به داشتن سلامت بهتر در فرد پدیدار میشود. تری در پژوهشی نشان داد که افزایش عزت نفس برای پیشگیری از مشکلاتی که ممکن است بر اثر عزت نفس پایین بوجود آید ضروری است.

عوامل متعددی از قبیل؛ فضیلت و پاکدامنی، صلاحیت علمی و فرهنگی، پذیرش جامعه، توجه و پذیرش دیگران و وجهه ظاهری میتواند بر شکل گیری عزت نفس تاثیر بگذارد. یکی از مولفه های مهمی که بدان اشاره شد و موثر بر عزت نفس می باشد باورهای مذهبی است. جوانبخت و همکاران در مطالعه ای بر روی دانشجویان گزارش کردند که رعایت آموزه های مذهبی باعث افزایش کارایی فرد میشود که بطور مستقیم با بهبود عزت نفس رابطه دارد. بخشایش نیز در پژوهش خود نشان می دهد که بین تمام مؤلفه های عزت نفس خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و عمومی (و توکل بر) خدا ارتباط معناداری وجود دارد. اخیرا به تاثیر آموزه های دینی در سلامت روان افراد توجه بیشتری میشود زیرا که مشخص شده باورهای مذهبی مانع ایجاد نگرش منفی و در نتیجه ایجاد اختلال تفکر و بیماریهای روانی در فرد میشود. در دهه های اخیر، مطالعه علمی دین و بررسی رابطه آن با متغیرهای روان شناختی، کانون توجه پژوهشگران مختلف قرار گرفته است. در واقع، دین نیروی روان شناختی است که می تواند روی نتایج زندگی انسانی تأثیر بگذارد. نتایج کندلر نشان داده که نگرش منفی افراد نسبت به زندگی که در اثر نداشتن باورهای مذهبی بوجود می آید موجب افزایش ریسک ایجاد بیماریهای روانی میشود. دوپلیام جیمز معتقد است در ایمان به خدا نیروی خارق العاده ای وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان می بخشد و در تحمل سختی های زندگی به او کمک می کند داشتن معنا در زندگی و احساس تعلق به منبعی والا، امید به کمک خدا در شرایط مشکل زای زندگی و بهره مندی از حمایت های اجتماعی و معنوی، از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با بهره گیری از آنها می توانند در رویارویی با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند. کسی که اعتقاد دارد همواره خدا با اوست و به او کمک می کند، باعث احساس مثبت به محیط اطراف خود میشود و این خود باعث بهبود بسیاری از اختلالات روانی می گردد. اخیرا پژوهشهای متعددی در مورد اثر مذهب و سلامت روان انجام شده و نتایج حاصل نشان دهنده ی اثر مثبت مذهب بر بهداشت روانی و اثر کاهنده ی آن بر نشانه های بیماری بوده است. تمایلات مذهبی و رفتارهای متناسب با آن موجب کاهش افسردگی، احساس سلامتی بیشتر و کاهش مرگ و میر می گردد (لابی مقدم، ۱۳۹۴)

همان طور که ذکر شد سازگاری اجتماعی یکی دیگر از عوامل بسیار مهم دوره نوجوانی می باشد که آموزه های دینی دانش آموزان می تواند روی این متغیر تأثیر فراوانی را داشته باشد. بررسی تغییرات ایجاد شده در میزان و نوع دینداری و نقش خانواده

ها در تربیت اجتماعی و سازگاری دانش آموزان می‌تواند موفقیت‌ها و کاستیهای برنامه‌های اجرا شده در حوزه اجتماعی شدن و انتقال فرهنگ از سوی کارگزاران اجتماعی را به ما نشان دهد. با وجود تغییرات گسترده در حوزه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، به واسطه دین و خانواده می‌توان کنترل اجتماعی یا به قول دورکیم، انسجام و وحدت اجتماعی را تقویت کرد. بی‌تردید جامعه در شکل دهی به تصورات دینی اعضای خود نقش کلیدی ایفا میکند و این افراد جامعه هستند که القائات جامعه را می‌پذیرند و به آن شکل مطلوب خود را میدهند (وسلی، ۱۳۹۵) دانش آموزان نیز به دلیل احراز موقعیت خاص اجتماعی، از مقبولیت خوبی برخوردارند و می‌توانند نقش الگو را ایفا کنند؛ بنابراین، تربیت آنان به معنای صحیح کلمه برای جامعه، حائز اهمیت است. محیط متفاوت و برجسته دبیرستان، زمینه ساز قابلیت‌ها و تواناییهای فراوانی است که دانش‌آموزان را در معرض آراء، افکار و عقاید جدیدی قرار می‌دهد اما آنها در مقابل این همه تازگی، پذیرنده محض نیستند. اجتماعی شدن فرایند دو جانبه ارتباطی میان فرد و جامعه است. به همین دلیل جریانی پیچیده به شمار می‌آید که ابعاد و جوانب گوناگونی دارد. کسب مهارت‌های اجتماعی، چگونگی برقراری ارتباط با سایر افراد و سازگاری اجتماعی، از جمله این ابعاد هستند. سازگاری فرایندی است در حال رشد و پویا که شامل توازن بین آنچه افراد می‌خواهند و آنچه جامعه شان می‌پذیرد است. هر یک از ما به محیط و تغییراتی که در آن روی می‌دهد پاسخ می‌دهیم. از این رو، سازگاری و هماهنگ شدن با خود و محیط پیرامون برای هر موجود زنده ضرورتی حیاتی است و تلاش روزمره آدمیان بر محور همین سازگاری دور می‌زند. هر انسانی آگاهانه یا ناخودآگاه می‌کوشد تا نیازهای متنوع و گاه متعارض خود را در محیط زندگی برآورده کند، سازگاری او لاجرم سازگاری اجتماعی است (حسینی، ۱۳۹۵).

از آنجایی که سازگاری اجتماعی مفهوم عام و گسترده‌ای است، تعریفی وجود ندارد که مورد اتفاق نظر بیشتر محققان باشد؛ اما از عمده‌ترین تعاریف سازگاری اجتماعی می‌توان بدان اشاره کرد: سازگاری اجتماعی را مترادف با مهارت اجتماعی میدانند؛ مهارت اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه اجتماعی خاص، به طریق خاص که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد. این مهارت‌ها باید دارای بهره‌ای دو جانبه باشد. به عبارتی درعین حال که برای شخص مفید است برای دیگران نیز سودمند باشد. در واقع سازگاری و مهارت اجتماعی را فرایندی می‌دانند که افراد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی کنند، رفتار خود را کنترل کنند و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم کنند. عوامل مختلفی در سازگاری شخصی و اجتماعی افراد نقش دارند که نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف تربیتی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر آنها تأکید کرده‌اند. به طور کلی می‌توان چهار عامل پزشکی، تربیتی، ارثی-ژنتیکی و محیطی-اجتماعی را در بروز سازگاری افراد معرفی کرد [۲۰]. هر چند برای شناسایی عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی تلاش‌های نظری و تجربی زیادی صورت گرفته است اما این تلاش‌ها کمتر متوجه شناسایی نقش نظام باورها و ارزش‌ها در سازگاری شخصی و اجتماعی در اقشار خاص جامعه و به ویژه دانش‌آموزان متوسطه بوده است. این در حالی است که ناسازگاری در محیط‌های تحصیلی به ویژه دبیرستانی که در سازگاری با دانشگاه مشکل داشته باشند نه تنها موجب می‌شود که با مشکلات مختلفی مانند افت تحصیلی و پیشرفت پایین، ترک تحصیل، افسردگی، اضطراب، انزواجویی، سوء مصرف مواد و درگیری با قانون دست به‌گریبان باشند بلکه موجب دگرگونی روحیه آنان می‌شود و نوعی نگرانی، ناپایداری هیجانی و حتی گاه پاره‌ای مشکلات عصبی-روانی را برای آنها ایجاد می‌کند و سازگاری روان‌شناختی و اجتماعی آنها را شدیداً به مخاطره می‌اندازد. حال با مطالب ذکر شده پژوهشگر در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین آموزه‌های دینی و عزت نفس با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول شهرستان میبد رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

به منظور بررسی پیشینه‌ی تحقیق و تعیین سهم پژوهش‌های گذشته در روشن کردن ابعاد مختلف با مسئله، منابع اطلاعاتی گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و پژوهش‌های به عمل آمده از خارج و داخل کشور با توجه به ترتیب زمانی از جدیدترین تا قدیم‌ترین ذکر می‌شوند.

هانسبرگر، پرات و پنسرا (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان جامعه‌پذیری مذهبی و غیر مذهبی و بررسی نقش زمینه‌های خانوادگی مذهبی روی سازگاری شخصی و اجتماعی دانشجویان، طی دو مطالعه ابتدا ۲۱۶ دانشجو و سپس ۶۱۵ دانش آموز دیپلمه را مورد مطالعه قرار دادند. آنان در این مطالعه ۱۱ اندازه از سلامت روانی، سازگاری شخصی و اجتماعی را به دست آوردند. هم چنین جایگاه اجتماعی اقتصادی و دینداری کنونی آزمودنی‌ها را کنترل کردند. نتایج دو مطالعه نشان داد که جامعه‌پذیری مذهبی و شیوه‌های تربیتی مذهبی تأثیر مثبتی را بر سازگاری شخصی و اجتماعی و سلامت روانی دانشجویان و دانش آموزان دبیرستان‌ی دارد. این محققان نتیجه گرفتند که مذهب سلامت روان شناختی و سازگاری شخصی و اجتماعی را افزایش می‌دهد، زیرا نتایج مطالعات قبلی نشان داده است که کودکانی که در خانواده‌های مذهبی پرورش می‌یابند نه تنها در دوره‌ی نوجوانی سازگارترند و کفایت اجتماعی بالاتری دارا هستند

پارگامنت و ایشلر (۲۰۱۴) به بررسی روش‌های مقابله‌ای مذهبی در دانشجویان در جریان جنگ گلف پرداختند. آنان تعداد ۲۱۵ دانشجوی مرد و زن را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که دینداری از طریق مقابله‌های مذهبی اثرات مهم‌انی و طولانی مدتی در حل و سازگاری با حوادث مهم زندگی دارد. این محققان اعتقاد دارند که نقش دینداری بسیار پیچیده است، زیرا کارایی و تأثیر روش‌های مقابله‌ای مذهبی بسته به شرایط و نوع حادثه و زمان آن تغییر می‌کند. برای مثال ممکن است، انجام اعمال خوب، اعتراف‌های مذهبی و اعتقاد به عفو و گذشت در موقعیت‌هایی که در فرد احساس گناه ایجاد می‌کنند، نقش مهم و مثبتی را دارا باشند، در حالی که زمانی که فرد احساس می‌کند توسط خداوند مجازات خواهد شد (به عنوان یک روش مقابله‌ای) در موقعیت‌هایی که فرد احساس گناه می‌کند، مشکل‌آفرین است؛ و یا ممکن است دریافت حمایت معنوی در موقعیت‌هایی که شبکه‌های حمایت اجتماعی یک فرد قطع یا تهدید می‌شوند مانند طلاق، جدایی والدین از یکدیگر، تغییر محل زندگی و حوادث و بلایای اجتماعی و طبیعی بسیار سودمند باشد و مقابله‌ای مؤثر و کارآمد باشد. از طرفی اعتقاد به توکل و اتکا به خداوند و منابع معنوی در هنگام بیماری و مرگ، باعث احساس کنترل و تسلط بیشتر بر شرایط می‌گردد. در حالی که احساس تنهایی و جدایی از خداوند در این شرایط بسیار آسیب‌زا است.

توماس و کارور (۲۰۱۳) معتقدند که باورها و اعمال مذهبی در زندگی نوجوانان و جوانان دو کارکرد مهم را دارا هستند: (۱) کارکرد کنترل اجتماعی، به این معنا که دینداری و اعمال مذهبی رفتارهای ضد اجتماعی را کاهش می‌دهند و (۲) کارکرد تسهیل اجتماعی به این معنا که مذهب و دینداری روابط اجتماعی رضایت‌بخش را ترویج داده و تسهیل می‌کند

وایوگن و روش (۲۰۱۲)، به مطالعه ۱۸۲ نفر از دانشجویان متعلق به جایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین پرداختند و مشاهده کردند مقابله‌های مذهبی با سازگاری شخصی و اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارد

دوناهو و بنسون (۲۰۱۰) با مروری بر ادبیات پژوهش دریافتند که دینداری به نحو مثبتی با رفتارها و ارزش‌های فرا اجتماعی نوجوانان و جوانان رابطه مثبت دارد. این امر به طور بالقوه‌ای از درگیر شدن نوجوانان در رفتارهای منفی و سازش‌نا یافته‌ای چون بزهکاری، مصرف مواد و الکل و برقراری روابط نامشروع جنسی پیشگیری می‌کند و از این طریق سازگاری اجتماعی آنان را تسهیل می‌کند

ریچاردز (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان اعتقادات دینی و مذهبی در دانشجویان دانشگاه و رابطه آن با سازگاری هیجانی، اجتماعی و سلامت روان شناختی آنان دریافت که بین دینداری درونی با سازگاری هیجانی و اجتماعی و سلامت روان شناختی این دانشجویان رابطه ای مثبت و معنادار وجود داشت. به این معنا که افراد دارای جهت گیری مذهبی درونی، افسردگی، اضطراب، شرمندگی و احساس گناه پایین و بهزیستی و سلامت روانی بالا و نگرش های فرااجتماعی و سازگاری خوبی دارند. کاتلر (۲۰۰۵) در مطالعه ای به بررسی خودکارآمدی و سازگاری اجتماعی بیماران که اختلالات اخلاقی دارند پرداخته است.

در مطالعه ای وی خودکارآمدی اثر مثبت و معناداری بر سازگاری اجتماعی دارد

نتایج پژوهش شلودرمن و همکاران (۲۰۰۱) در مورد ۴۴۳ دانشجوی دختر و پسر بیانگر آن است که بین تعهد دینی، دینداری درونی و اعمال مذهبی با سازگاری روان شناختی و اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، به طوری که دینداری درونی و تعهد دینی از جمله بهترین پیش بینی کننده های سازگاری اجتماعی در این دانشجویان هستند. توماس (۱۹۹۸) مدل علی را ارائه کرده است که نشان می دهد اعمال و باورهای مذهبی، روابط خانوادگی موزون و هماهنگ را تسهیل می کند، رضایت مندی مرتبط با خانواده را افزایش می دهد و سازگاری و سلامت شخصی و اجتماعی را افزایش می دهد

فکوری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان ارتباط باورهای مذهبی با عزت نفس در دانشجویان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جیرفت به این نتیجه رسید که بین باورهای مذهبی و عزت نفس در دانشجویان ارتباط مستقیمی وجود دارد. آتش سیرو و کبیری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «رابطه دینداری و سرمایه خانوادگی (سرمایه اجتماعی- فرهنگی) با سازگاری اجتماعی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه) نشان دادن که، تمامی ابعاد دینداری با سازگاری اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار دارند بنابراین می توان نتیجه گرفت که اعمال و باورهای مذهبی و سرمایه خانوادگی در سازگاری اجتماعی افراد نقش موثری دارد.

موسی زاده (۱۳۹۲) در پژوهش تبیین نقش اثر بخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر خودکارآمدی و عزت نفس دانش آموزان پسر پایه ی اول دوره ی متوسطه که با هدف تعیین اثر بخشی مهارت های ارتباطی بر عزت نفس و خودکارآمدی دانش آموزان پسر مقطع اول متوسطه ی شهرستان مشکین شهر انجام شده است. نتایج این پژوهش ضمن همسویی تقریبی با یافته های پژوهشی دیگر تأکید می کند که آموزش مهارت های ارتباطی در جهت کنار آمدن دانش آموزان با چالش های زندگی و افزایش عزت نفس و ایجاد باورهای خودکارآمدی در آنها موثر بوده است.

طولابی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش میانجی عزت نفس و خودکارآمدی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی و سازگاری اجتماعی جوانان شهر مشهد، نشان داد که سبک زندگی اسلامی اثر مثبت و معناداری بر عزت نفس و خودکارآمدی دارد، عزت نفس و خودکارآمدی اثر مثبت و معناداری بر سازگاری اجتماعی دارد.

سپاه منصور (۱۳۹۱) رابطه عزت نفس و خودکارآمدی با متقاعدسازی در مدیران آموزشی مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه مدیران آموزشی دانشگاه های آزاد اسلامی شهر تهران بود، که تعداد ۱۲۰ نفر (۷۶ زن و ۴۴ مرد) به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای اندازه گیری عزت نفس از آزمون عزت نفس کوپراسمیت (۱۹۶۷) و برای اندازه گیری خودکارآمدی از آزمون باورهای خودکارآمدی عمومی (شرر و دیگران، ۱۹۸۲) و برای اندازه گیری متقاعدسازی از آزمون دانش متقاعدسازی استفاده به عمل آمد. برای تحلیل داده ها، از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین متقاعدسازی با عزت نفس و متقاعدسازی با خودکارآمدی، همبستگی مثبت معنادار

وجود دارد همچنین نتایج نشان داد که ۵۹٪ از واریانس مربوط به متقاعدسازی با عزت نفس و ۲۴٪ از واریانس متقاعدسازی با خودکارآمدی تبیین می شود؛ و نتایج حاصل از ضرایب شیب نشان داد که در پیش بینی متقاعدسازی، سهم عزت نفس بیش از خودکارآمدی بود.

بیدی، نامداری پژمان، امانی، قنبری و کارشکی (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای به بررسی تحلیل ساختاری ارتباط بین اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سازگاری اجتماعی و عزت نفس پرداخته‌اند. در مطالعه‌ی آنان عزت نفس اثر مثبت و معناداری بر سازگاری اجتماعی داشته است.

منجری و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی اثر ارتباط اسلامی و نگرش مذهبی بر بهبود رضایت زناشویی پرداختند. نتایج بیانگر این است که ارتباط اسلامی و نگرش‌های مذهبی بر رضایت زناشویی زوج‌ها در پس‌آزمون و پیگیری مؤثر بوده است. حمید و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی رفتار مذهب محور بر افسردگی زنان مطلقه پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از این است که درمان شناختی رفتاری مذهب محور موجب کاهش افسردگی در زنان مطلقه شده است. رحمانی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با سازگاری اجتماعی تحصیلی / شغلی و عزت نفس اجتماعی تحصیلی / شغلی دانشجویان شهر اراک پرداخته است. نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین جهت‌گیری مذهبی درونی با سازگاری اجتماعی تحصیلی / شغلی و عزت نفس اجتماعی تحصیلی / شغلی دانشجویان وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی می‌باشد. زیرا از نتایج آن می‌توان به‌طور عملی استفاده نمود. همچنین نیز از نوع میدانی و پرسشنامه‌ای است. همچنین از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی-همبستگی می‌باشد. در این تحقیق به دلیل اینکه محقق می‌خواهد آن چه را که وجود دارد به صورت عینی و منظم گزارش دهد تحقیق توصیفی می‌باشد.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهرستان میبد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ می‌باشد که تعداد آن‌ها ۳۶۱۲ نفر می‌باشد؛ که از این تعداد ۱۷۹۰ نفر دختر و مابقی پسر است. نمونه آماری این پژوهش از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۱)، استفاده و استخراج می‌شود که ۳۳۰ نفر می‌باشد که بصورت تصادفی از میان دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه از پایه‌های هفتم، هشتم و نهم دانش‌آموزان پسر از پایه‌های هشتم و نهم (به خاطر شرایط سنی، از پایه هفتم پسر انتخاب نشدند) شهرستان میبد انتخاب شدند.

وسیله اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه می‌باشد برای اندازه‌گیری آموزه‌های دینی از پرسشنامه معبد، و برای اندازه‌گیری عزت نفس از پرسشنامه عزت نفس آیزنگ و پرسشنامه سازگاری اجتماعی سینها و سینگ برای اندازه‌گیری سازگاری اجتماعی استفاده شد.

پرسشنامه آموزه‌های دینی (معبد)

این پرسشنامه که توسط گلزاری (۱۳۷۹) ساخته شده است که از ۲۵ سؤال تشکیل شده و عمل به باورهای دینی را می‌سنجد. مقیاس معبد از چهار خرده‌مقیاس (عمل به واجبات دینی، مستحبات، فعالیت‌های مذهبی (عضویت در گروه‌های

مذهبی و...) و استفاده از مذهب در تصمیم گیر یها و انتخابهای زندگی) ساخته شده است. سوالات آزمون با توجه به رفتاری های دینی رایج در جوانان متدین به اسلام انتخاب شده است. عمل به واجبات دینی: سوال ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۲ را در بر می گیرد. مستحبات: سوال ۵، ۶، ۸، ۱۸، ۲۰ و ۲۳ را در بر می گیرد. فعالیتهای مذهبی: سوال ۷، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۱ و ۲۴ را در بر می گیرد. عضویت در گروه های مذهبی: سوال ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۵ را در بر می گیرد.

روش نمره گذاری:

هر سؤال پنج گزینه دارد و روش نمره گذاری این مقیاس از صفر تا چهار است. برای تک تک سؤالات کمترین حالت ممکن صفر و بالاترین حالت نمره ۴ و برای کل آزمون کمترین نمره کل صفر و بیشترین نمره کل ۱۰۰ است؛ بنابراین نمره صفر به معنی عمل نکردن به هیچ یک از باورهای دینی و بیشترین نمره (۱۰۰) نشان دهنده عمل به همه باورهای دینی به حساب می آید.

پایایی و روایی:

پایایی این آزمون در پژوهش حاجی زاده و برغمندی (۱۳۸۹) میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. همچنین اعتبار این آزمون توسط دو تن از اساتید دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد مورد بررسی قرار گرفت و اعتبار آن مطلوب گزارش شد. پرسشنامه سازگاری اجتماعی دانش آموزان در سال ۱۹۹۳ توسط سینها و سینگ به منظور تعیین سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی دانش آموزان ساخته شده است. در ایران قدسی احقر فرم ۵۵ سوالی این مقیاس را در نمونه ۳۰۰۰ نفری از دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی مورد بررسی قرار داده است. پرسشنامه حاضر ۵۵ گویه دارد و نمره گذاری آن به صورت صفر و یک می باشد.

• نمره گذاری پرسشنامه:

نمره گذاری پرسشنامه براساس صفر و یک است به این صورت که در مورد سوالات زیر بلی نمره ۱ و خیر نمره صفر می گیرد:

۱۱-۱۲-۱۷-۱۸-۲۲-۲۳-۲۴-۲۸-۳۰-۳۱-۳۵-۳۷-۳۹-۴۳-۴۵-۴۶-۴۸-۴۹-۵۱-۵۲-۵۴-۵۵

در مورد سوالات زیر بالعکس است به این صورت که خیر نمره ۱ و بلی نمره صفر می گیرد:

۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۹-۲۰-۲۱-۲۵-۲۶-۲۷-۲۹-۳۲-۳۳-۳۴-۳۶-۳۸-۴۰-۴۱-۴۲-۴۴-۴۷-۵۰-

تحلیل (تفسیر) بر اساس میزان نمره پرسشنامه

بر اساس این روش از تحلیل شما نمره‌های به دست آمده را جمع کرده و سپس بر اساس جدول زیر قضاوت کنید.

حد پایین نمره	حد متوسط نمرات	حد بالای نمرات
۰	۲۷	۵۵

تفسیر نتایج

بر اساس جدول زیر می‌توان به راحتی امتیاز شخص پاسخ دهنده را تفسیر نمود:

نتیجه	امتیاز
سازگاری اجتماعی دانش آموز پایین	نمره بین ۰ تا ۱۸
سازگاری اجتماعی دانش آموز متوسط	نمره بین ۱۸ تا ۲۷
سازگاری اجتماعی دانش آموز بالا	نمره بالاتر از ۲۷

• روایی و پایایی:

سازندگان آزمون ضریب پایایی این آزمون را با روش‌های دو نیمه کردن، بازآزمایی و کودر ریچاردسون به ترتیب ۹۵٪ و ۹۳٪ و ۹۴٪ به دست آورده‌اند. همچنین روایی محتوایی این آزمون را ۲۰ نفر از متخصصان روانشناسی تایید کرده‌اند. در پژوهش خانجانی زاده و باقری (۱۳۹۱) پایایی خرده مقیاس سازگاری اجتماعی با روش آلفای کرونباخ ۷۵٪ به دست آمد [۱۱۶]. پرسش‌نامه‌ی عزت نفس آیزنک (ESI) (۱۹۷۶؛ به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۳) پرسشنامه عزت نفس حاصل کوشش‌های آیزنک برای بررسی شخصیت است و سوالات آن برگرفته از سوالات ناستواری هیجانی پرسشنامه شخصیت آیزنک است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال است که آزمودنی باید برای هر یک از سوالات پاسخ بلی، خیر یا نمی‌دانم (علامت سوال) را علامت بزند. البته در دستوالعمل پرسشنامه از فرد خواسته می‌شود که تا حد امکان پاسخ نمی‌دانم را انتخاب نکند. در این پرسش‌نامه، پایین‌ترین نمره‌ی ممکن صفر و بالاترین نمره ۳۰ است. هر چه نمره فرد در این پرسشنامه بیشتر باشد عزت نفس بیشتری دارد.

روایی و پایایی: هرمزی نژاد (۱۳۸۰) در تحقیقی روی دانشجویان شهید چمران اهواز، اعتبار سازه این آزمون را برای دانشجویان دختر ۰.۷۴ و برای دانشجویان پسر ۰.۷۹ گزارش کرده است. همچنین وی آزمون عزت نفس آیزنک و مقیاس عزت نفس اهواز را به‌طور هم‌زمان روی دو نمونه دختر و پسر دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا کرده و ضرایب روایی محاسبه شده برای نمونه دختر $r = 0.79$ و برای نمونه پسر $r = 0.74$ را گزارش می‌کند که هر دو در سطح $p < 0.001$ معنادار هستند. نتایج یافته‌های وی نشان می‌دهد که این آزمون از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب و رضایت‌بخشی بهره‌مند است. همچنین ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و با استفاده از روش تنصیف ۰/۸۷ بدست آوردند.

این پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد. پس از انتخاب نمونه و تهیه پرسشنامه‌ها، محقق در مرحله ابتدا به صورت تصادفی خوشه‌ای دو مدرسه دوره متوسطه اول شهرستان میبد (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) را انتخاب نموده سپس به مدارس مراجعه کرده و پس از گفتگو با مسئولین مدراس و دادن اطلاعات لازم در خصوص اهداف تحقیق، از مدرسه پسرانه ۶ کلاس ۳۰ نفری و از مدرسه دخترانه ۵ کلاس ۳۰ نفری (به نسبت تناسب، جامعه دختران ۱۷۹۰ نفر و جامعه پسران ۱۸۲۲

نفر) بصورت تصادفی ساده انتخاب شده و پرسشنامه‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار داده و در مورد پرسشنامه‌ها و اهداف تحقیق، اطلاعات لازم به دانش‌آموزان داده شد و از آن‌ها خواسته شد با نهایت دقت به سؤال‌ها پاسخ دهند لازم به ذکر است به‌منظور کسب اعتماد دانش‌آموزان در جهت محرمانه بودن اطلاعات آن‌ها، از درخواست نام و نام خانوادگی اجتناب شد و از دادن پرسش‌نامه به دانش‌آموزانی که تمایلی به همکاری نداشتند خودداری شد. برای تحلیل داده‌ها از هر دو روش آماری توصیفی و استنباطی با نرم‌افزار SPSS ۲۲ استفاده شده است. از فراوانی، درصد، درصد تجمعی، میانگین و انحراف معیار برای تحلیل توصیفی داده‌ها و از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری (چندگانه) برای تحلیل استنباطی داده‌ها و به منظور بررسی رابطه آموزه‌های دینی و عزت نفس با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱- ضریب همبستگی بین عمل به واجبات با سازگاری اجتماعی

متغیر ملاک		سازگاری اجتماعی
شاخصهای آماری		ضریب همبستگی
متغیر پیش بین		سطح معناداری
عمل به واجبات		۰.۲۵۶
		۰.۰۰۰۱

** P<0/01

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین عمل به واجبات با سازگاری اجتماعی معنی دار است؛ یعنی عمل به واجبات با سازگاری اجتماعی ($r=0/25$ ، $p<0/0001$) رابطه معنی دار وجود دارد. لذا فرضیه فرعی اول مبنی بر این که بین عمل به واجبات با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول رابطه‌ی معنی داری دارد، تایید می‌گردد.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین عمل به مستحبات با سازگاری اجتماعی

متغیر ملاک		سازگاری اجتماعی
شاخصهای آماری		ضریب همبستگی
متغیر پیش بین		سطح معناداری
عمل به مستحبات		۰.۲۷۹
		۰.۰۰۰۱

** P<0/01

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین عمل به مستحبات با سازگاری اجتماعی معنی دار است؛ یعنی عمل به مستحبات با سازگاری اجتماعی ($r=0/27$ ، $p<0/0001$) رابطه معنی دار وجود دارد. لذا فرضیه فرعی اول مبنی بر این که بین عمل به مستحبات با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول رابطه‌ی معنی داری دارد، تایید می‌گردد.

جدول ۳ - ضریب همبستگی بین فعالیت های مذهبی با سازگاری اجتماعی

متغیر پیش بین		سازگاری اجتماعی	
شاخصهای آماری		سطح معناداری	
متغیر ملاک	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی
فعالیت های مذهبی	.285	.0001	

** P<0/01

یافته های جدول ۳ نشان می دهد ضریب همبستگی بین فعالیت های مذهبی با سازگاری اجتماعی معنی دار نیست؛ یعنی فعالیت های مذهبی با سازگاری اجتماعی ($r=0/28$ ، $p<0/0001$) رابطه معنی دار وجود دارد. لذا فرضیه فرعی اول مبنی بر این که بین فعالیت های مذهبی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد، تایید می گردد.

جدول ۴ - ضریب همبستگی بین مداخله دادن مذهب در تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی

متغیر پیش بین		سازگاری اجتماعی	
شاخصهای آماری		سطح معناداری	
متغیر ملاک	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی
فعالیت های مذهبی	.287	.0001	

** P<0/01

یافته های جدول ۴ نشان می دهد ضریب همبستگی بین مداخله دادن مذهب در تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی معنی دار است؛ یعنی مداخله دادن مذهب در تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی ($r=0/28$ ، $p<0/0001$) رابطه معنی دار وجود دارد. لذا فرضیه فرعی اول مبنی بر این که بین مداخله دادن مذهب در تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد، تایید می گردد.

جدول ۵ - نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه جهت پیش بینی نمره سازگاری اجتماعی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	F	سطح معنادار
۱	.376	.141	.136	26.8	.000

جدول ۶ - ضرایب بتا و آزمون معناداری t برای متغیرهای پیش بین

متغیر	B	ضرایب بتا	T	سطح معناداری
آموزه های دینی	.153	.306	5.957	.000
عزت نفس	.283	.205	4.003	.000

با توجه به سطح معناداری متغیرهای آموزه های دینی و عزت نفس $0/0001$ که کم تر از خطای مفروض در پژوهش ($0/05$) است متغیرهای آموزه های دینی و عزت نفس در مدل معنادار هستند و با توجه به ضریب تعیین ۱۴ درصد از تغییرات

سازگاری اجتماعی دانش آموزان مربوط به متغیرهای آموزه های دینی و عزت نفس است. بنابراین می توان با توجه به متغیرهای آموزه های دینی و عزت نفس، سرمایه اجتماعی را پیش بینی کرد. همچنین جهت ضرایب بتا نشان می دهد که متغیرهای آموزه های دینی (۰/۳۰) و عزت نفس (۰/۲۰) در پیش بینی نمره سازگاری اجتماعی دانش آموزان، نقش مثبت دارند. این بدین معناست که هرچه آموزه های دینی و عزت نفس دانش آموزان بیشتر باشد سازگاری اجتماعی آنها نیز بیشتر می شود.

نتیجه گیری:

برای بررسی فرضیه اصلی اول پژوهش با عنوان «بین آموزه های دینی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد.» نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که: ضریب همبستگی بین آموزه های دینی با سازگاری اجتماعی معنی دار است. لذا فرضیه اصلی اول مبنی بر این که بین آموزه های دینی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد، تایید می گردد.

این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش ریچاردز (۲۰۱۵) مبنی بر بررسی اعتقادات دینی و مذهبی در دانشجویان دانشگاه و رابطه آن با سازگاری هیجانی، اجتماعی و سلامت روان شناختی آنان صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که بین دینداری درونی با سازگاری هیجانی و اجتماعی و سلامت روان شناختی این دانشجویان رابطه ای مثبت و معنادار وجود داشت.

این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش شلودرمن و همکاران (۲۰۱۱) مبنی بر بررسی نقش دینداری درونی و تعهد دینی بر سازگاری اجتماعی دانشجویان صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که بین تعهد دینی، دینداری درونی و اعمال مذهبی با سازگاری روان شناختی و اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش ریچاردز (۱۹۹۱) مبنی بر بررسی اعتقادات دینی و مذهبی در دانشجویان دانشگاه و رابطه آن با سازگاری هیجانی، اجتماعی و سلامت روان شناختی صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که بین دینداری درونی با سازگاری هیجانی و اجتماعی و سلامت روان شناختی این دانشجویان رابطه ای مثبت و معنادار وجود داشت.

این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش وایوگن و روش (۲۰۱۲)، مبنی بر بررسی مقابله های مذهبی با سازگاری شخصی و اجتماعی دانشجویان با جایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که مقابله های مذهبی با سازگاری شخصی و اجتماعی رابطه مثبت و معنا داری دارد.

این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش دوناهاو و بنسون (۲۰۱۰) مبنی بر بررسی مروری بر ادبیات دینداری و سازگاری اجتماعی صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که دینداری به نحو مثبتی با رفتارها و ارزش های فرا اجتماعی نوجوانان و جوانان رابطه مثبت دارد. این امر به طور بالقوه ای از درگیر شدن نوجوانان در رفتارهای منفی و سازش نایافته ای چون بزهکاری، مصرف مواد و الکل و برقراری روابط نامشروع جنسی پیشگیری می کند و از این طریق سازگاری اجتماعی آنان را تسهیل می کند

این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش آتش سیرو و کبیری (۱۳۹۴) مبنی بر بررسی رابطه دینداری و سرمایه خانوادگی با سازگاری اجتماعی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه) صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که تمامی ابعاد دینداری با سازگاری اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار دارند.

این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش سهرابیان (۱۳۷۹) مبنی بر بررسی تأثیر نگرش مذهبی بر سازگاری فردی اجتماعی دانش آموزان صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که بین اعتقادات مذهبی و سازگاری فردی اجتماعی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

در تبیین یافته این فرضیه باید گفت که مذهب یک متغیر مهم در زندگی افراد است، نفوذ باورها، نگرش‌ها، رفتارها و ویژگی‌های ارزشی می‌تواند تأثیر بسیار زیاد در سبک زندگی افراد داشته است. انسان در راستای گرایش به زندگی جمعی در پی حاکمیت معیارها و ضوابط خاصی برای حفظ نظم اجتماعی و هدایت و اعتلای جامعه به سوی آرامش و نیکبختی است. از این جهت حاکمیت دین را به منزله‌ی حاکمیت مجموعه دستورات و قوانین لازم می‌داند. هنگامی که انسان‌ها در کنار هم زندگی می‌کنند، برای تأمین نیازهای متقابلشان ناگزیرند که نوعی نظم و قانون را میان خود بپذیرند؛ اما این نظم و قانون چیزی نیست که فقط پیرو قرارداد صرف باشد، بلکه امری واقعی است که به طور قهری خود را میان روابط بشری نمایان می‌سازد، چون خداوند بنابه حکمت و مصلحت خویش انسان‌ها را چنان آفرید که روابطشان با یکدیگر، اعم از زن و مرد، فقط با نوعی نظم و قانون سامان می‌گیرد. دین بیانگر تأثیر دین بر منطق و تفکر فرد در مواجهه با مسائل خود و پدیده‌های پیرامون است. دین با به چالش کشیدن تفکر انسان در پاسخ به سوالات وجودی و نیز با ملزم دانستن او در استدلال منطقی جهت پذیرش اصول و مبانی اعتقادی خصوصاً در دین اسلام، زمینه‌های رشد افکار غیرمنطقی را در فرد از بین می‌برد و یکی از کنش‌های شناختی دین معناسازی است که در چگونگی تفسیر وقایع پیرامونی و تأثیرپذیری از آن‌ها مؤثر است. جامعه برای حفظ آرامش خود و جلوگیری از بروز و رشد اختلافات نیازمند عاملی قوی و فراتر از محورهای مادی است که منافع همه شهروندان از جمله سازگاری اجتماعی را تأمین کند. سازگاری اجتماعی به وضعیتی گفته می‌شود که افراد یا گروه‌ها رفتار خود را به تدریج و از روی عمد و یا غیرعمد تعدیل می‌کنند تا با فرهنگ موجود سازگاری نمایند مانند رعایت عادت‌ها، عرف و تقلید. به عبارتی آن نوع واکنش‌هایی است که شخص برای رعایت محیط اجتماعی از خود نشان می‌دهد و آنها را به علت هماهنگی‌شان با معیارهای اجتماع و پذیرفته شدنشان از طرف آن، اساس رفتار خود قرار می‌دهند؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق منطقی است که بین آموزه‌های دینی و سازگاری اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود داشته باشد.

برای بررسی فرضیه اصلی دوم پژوهش با عنوان «بین عزت نفس با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه‌ی معنی داری دارد.» نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که: ضریب همبستگی بین عزت نفس با سازگاری اجتماعی معنی دار است. لذا فرضیه اصلی دوم مبنی بر این که بین عزت نفس با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه‌ی معنی داری دارد، تأیید می‌گردد.

این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش بیدی، نامداری پژمان، امانی، قنبری و کارشکی (۱۳۹۱)، مبنی بر بررسی تحلیل ساختاری ارتباط بین اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سازگاری اجتماعی و عزت نفس صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که عزت نفس اثر مثبت و معنادار بر سازگاری اجتماعی داشته است.

این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش طولابی (۱۳۹۲) مبنی بر بررسی نقش میانجی عزت نفس و خود کارآمدی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی و سازگاری اجتماعی جوانان شهر مشهد، صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که

سبک زندگی اسلامی اثر مثبت و معناداری بر عزت نفس و خودکارآمدی دارد، عزت نفس و خودکارآمدی اثر مثبت و معناداری بر سازگاری اجتماعی دارد.

در تبیین یافته این فرضیه باید گفت که عزت نفس ترکیب بین ارزیابی ارزش خود و توانایی برای رسیدن به اهداف مورد نظر با احساسات ناشی از فرآیندهای ارزیابی تعیین میشود. عزت نفس را ارزیابی مداوم شخص نسبت به ارزشمندی خود یا قضاوت شخص نسبت به ارزشمندی وجود خود تعریف میکند که این صفت عمومیت داشته و در همه مردم وجود دارد و حالتی ثابت و دائمی است. عزت نفس را داشتن احساس خوب نسبت به خود، دوست داشتن خود و دوست داشته شدن و رفتار مناسب دیگران نسبت به او، احساس راحتی، احساس توانایی و موفقیت در رهبری است. فردی که عزت نفس مثبتی دارد، از کلیه جهات بدنی، اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی، خود را مطلوب و خوب میداند. او نگرش مثبت خود را از واکنش مثبت اعضاء خانواده، همسالان، معلمان و تواناییهای بدنی خود کسب نموده است. چنین فردی، بهتر میتواند با مشکل خود مقابله کند. وجود یک رابطه صمیمی با یک بزرگسال مهربان برای ایجاد احساس اعتماد و ارزش، رفع نیازمندیها، پاسخ به سؤالات و حل مشکلات کودک الزامی است، کنش متقابل با کودکان دیگر نیز نقش مهمی در این فرایند بازی میکند. افراد از طریق سرمشق دهی و سرمشق گیری در مورد اعمالی که قابل تقلید است و با ارزشیابی فعالیتهای یکدیگر و باز خوردی که به یکدیگر میدهند در همدیگر تأثیر می گذارند. افراد بسیاری از مهارتهای اجتماعی را از طریق کنش متقابل یکدیگر یاد می گیرند. آنها می آموزند که چگونه چیزی بدهند، چیزی بگیرند، در فعالیتهای دسته جمعی شرکت کنند، از جنب و جوش دیگران لذت ببرند، احساسات دیگران را درک کنند، تواناییهای خود را ارزیابی کنند، اعتماد به نفس پیدا کنند، به تدریج مستقل شوند و با جامعه سازگار شوند. افراد سازگار برای خود، شأن و احترام قائل هستند و خود را با ارزش و مورد قبول اطرافیان می دانند و به این دلیل در روابط اجتماعی متکی به خود هستند. آنها به راحتی می توانند روابط نزدیک و رضایت بخش با دیگران برقرار کنند و با اطمینان رفتار خود را کنترل کند و به خوبی می تواند خود را با موقعیتهای مختلف و گاهی متضاد وفق دهد و حداکثر انعطاف پذیری را در رفتارهای اجتماعی و شخصی بروز دهد. نسبت به دیگران بدبین نباشد و به دیگران اعتماد داشته باشد و به همین دلیل قادر به برقراری ارتباط و میل به رابطه اجتماعی در او زیاد است؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق منطقی است که بین عزت نفس و سازگاری اجتماعی رابطه معنادار وجود داشته باشد.

برای بررسی فرضیه فرعی اول پژوهش با عنوان «بین عمل به واجبات با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که: ضریب همبستگی بین عمل به واجبات با سازگاری اجتماعی معنی دار است. لذا فرضیه فرعی اول مبنی بر این که بین عمل به واجبات با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد، تایید می گردد. این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش های ریچاردز (۲۰۱۵)، شلودرمن و همکاران (۲۰۱۱)، ریچاردز (۱۹۹۱)، آتش سیرو و کبیری (۱۳۹۴) و سهرابیان (۱۳۷۹) همسو است.

در تبیین یافته این فرضیه باید گفت که عمل به واجبات مثل خواندن نمازهای واجب، گرفتن روزه های ماه رمضان، رعایت حدود شرعی را از نظر (خنده، نگاه، پوشش و صمیمیت) و همه ی جنبه های زندگی خود را از دیدگاه دین و مذهب در نظر گرفتن و معتقد و پایبند بودن به مذهب از طریق تدارک یک چارچوب جهت تفسیر و توصیف تجارب زندگی و به موجب آن فراهم کردن نوعی احساس انسجام و به هم پیوستگی وجودی، در ارتقاء سلامت روانی و سازگاری اجتماعی نقش دارند. به عبارتی میتوان گفت که باورهای مذهبی یک نوع پردازش شناختی و یافتن معنا در زندگی است. معنویت و عمل به آن یک

سامانه باور منسجم ایجاد میکند که باعث میشود زندگی معنا پیدا کند و موجب سازگاری فردی و اجتماعی و در نتیجه سلامت روانی فرد شود بنابراین منطقی است که بین عمل به واجبات دینی و سازگاری اجتماعی رابطه معنادار وجود داشته باشد. برای بررسی فرضیه فرعی دوم پژوهش با عنوان «بین عمل به مستحبات با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که: ضریب همبستگی بین عمل به مستحبات با سازگاری اجتماعی معنی دار است. لذا فرضیه فرعی دوم مبنی بر این که بین عمل به مستحبات با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد، تایید می گردد. این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش های ریچاردز (۲۰۰۵)، شلودرمن و همکاران (۲۰۰۱)، ریچاردز (۱۹۹۱)، آتش سیرو و کبیری (۱۳۹۴) و سهرابیان (۱۳۷۹) همسو است.

در تبیین یافته این فرضیه باید گفت که عمل به مستحبات مثل خواندن نمازهای واجب در مسجد، شرکت در گروه های مذهبی، تشویق اطرافیان نسبت به ادای واجبات دینی و رعایت دستورات مذهبی، نصیحت و ارشاد اطرافیان در مورد کارهایی که بر خلاف دین انجام دهند و این نوع نگرش دینی به افراد حس تعالی میدهد. همچنین فردی که زندگی فعال معنوی دارد وارد جمع بزرگتری از افراد شده که به وسیله آنها حمایت میشود. حضور مرتب در فعالیتهای مذهبی و پیوستن به گروههای مذهبی نه تنها حس هویت جمعی به افراد میدهد و در مصائب و مشکلات به فرد کمک میکند بلکه سیستمهای حمایتی زیادی را جهت کمک به آنها معرفی میکند. این سبک زندگی به نوبه خود یک رابطه سالم و سازگار را برای فرد به ارمغان می آورد؛ بنابراین منطقی است که بین عمل به مستحبات و سازگاری اجتماعی رابطه معنادار وجود داشته باشد.

برای بررسی فرضیه فرعی سوم پژوهش با عنوان «بین فعالیت های مذهبی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که: ضریب همبستگی بین فعالیت های مذهبی با سازگاری اجتماعی معنی دار است. لذا فرضیه فرعی سوم مبنی بر این که بین فعالیت های مذهبی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد، تایید می گردد. این یافته ها با نتایج به دست آمده از پژوهش های ریچاردز (۲۰۰۵)، شلودرمن و همکاران (۲۰۰۱)، ریچاردز (۱۹۹۱)، آتش سیرو و کبیری (۱۳۹۴) و سهرابیان (۱۳۷۹) همسو است.

در تبیین یافته این فرضیه باید گفت که فعالیت های مذهبی مانند پرداخت خمس و زکات واجب، پرداخت کمکهای مالی در پیشرفت دین، انجام ندادن کارهای ناپسند، نخوردن و نیاشامیدن چیزهایی که از نظر شرع حرام هستند و... نحوه دید فرد را نسبت به رویدادهای استرس زا تغییر داده و اعتمادبه نفس و توانایی آنان را در مقابله با مشکل افزایش می دهد؛ بنابراین به خوبی می تواند خود را با موقعیت های مختلف و گاهی متضاد وفق دهد و حداکثر انعطاف پذیری را در رفتارهای اجتماعی و شخصی بروز دهد. در وضعیت های متعارض و مواقع ناکامی قادر به شناخت و پذیرش و تصمیم گیری مناسب خواهد بود و از پذیرفتن مسئولیت واهمه ندارد

برای بررسی فرضیه فرعی چهارم پژوهش با عنوان «بین مداخله دادن مذهب در تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری دارد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که: ضریب همبستگی بین مداخله دادن مذهب در تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی معنی دار است. لذا فرضیه فرعی چهارم مبنی بر این که بین مداخله دادن مذهب در تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی دانش آموزان متوسطه دوره اول رابطه ی معنی داری

دارد، تایید می‌گردد. این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های ریچاردز (۲۰۰۵)، شلودرمن و همکاران (۲۰۰۱)، ریچاردز (۱۹۹۱)، آتش‌سیرو و کبیری (۱۳۹۴) و سهرابیان (۱۳۷۹) همسو است.

در تبیین یافته‌های این فرضیه باید گفت که مداخله دادن مذهب در تصمیم‌گیری مانند اعتقاد به دین و تعصب، مطالعه یا تحقیق درباره‌ی موضوعات دینی، خواندن کتاب آسمانی قرآن و قرار دادن انگیزه‌های دینی و مذهبی در پشت و سر و زیربنای ارتباط‌ها و کارهای زندگی این نوع نگرش دینی به فرد احساس‌تعالی می‌دهد. باورهای دینی به عنوان یکی از مهمترین راه‌های رسیدن به معنا در افراد و عمل به آن به شکل‌های مختلفی نظیر این نگرش که به یاد خداوند بودن آرا مبخش دلها است، این سبک زندگی به نوبه خود یک رابطه سالم و سازگار را برای فرد به ارمغان می‌آورد. معیارهای معینی برای ارزیابی کفایت سازگاری یک فرد نسبت به محیط ایجاد کند؛ بنابراین منطقی است که بین مداخله دادن مذهب در تصمیم‌گیری و سازگاری اجتماعی رابطه معنادار وجود داشته باشد.

برای بررسی فرضیه فرعی پنجم پژوهش با عنوان «آموزه‌های دینی و عزت‌نفس در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول نقش معنی‌داری دارد». نتایج حاصل از ضریب رگرسیون چندگانه بیانگر آن بود که: متغیرهای آموزه‌های دینی و عزت‌نفس، سرمایه اجتماعی را می‌توانند پیش‌بینی کنند. لذا فرضیه فرعی پنجم مبنی بر این که آموزه‌های دینی و عزت‌نفس در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول نقش معنی‌داری دارد، تایید می‌گردد. این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های

این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های بیدی، نامداری پژمان، امانی، قنبری و کارشکی (۱۳۹۱)، مبنی بر بررسی تحلیل ساختاری ارتباط بین اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سازگاری اجتماعی و عزت‌نفس صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که عزت‌نفس اثر مثبت و معناداری بر سازگاری اجتماعی داشته است.

این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش طولایی (۱۳۹۲) مبنی بر بررسی نقش میانجی عزت‌نفس و خودکارآمدی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی و سازگاری اجتماعی جوانان شهر مشهد، صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که سبک زندگی اسلامی اثر مثبت و معناداری بر عزت‌نفس و خودکارآمدی دارد، عزت‌نفس و خودکارآمدی اثر مثبت و معناداری بر سازگاری اجتماعی دارد

این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش آتش‌سیرو و کبیری (۱۳۹۴) مبنی بر بررسی رابطه دینداری و سرمایه خانوادگی (سرمایه اجتماعی- فرهنگی) با سازگاری اجتماعی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه) صورت گرفت، همسو است. نتایج آنها نشان داد که تمامی ابعاد دینداری با سازگاری اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار دارند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اعمال و باورهای مذهبی و سرمایه خانوادگی در سازگاری اجتماعی افراد نقش موثری دارد

بیدی، نامداری پژمان، امانی، قنبری و کارشکی (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای به بررسی تحلیل ساختاری ارتباط بین اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سازگاری اجتماعی و عزت‌نفس پرداخته‌اند. در مطالعه‌ی آنان عزت‌نفس اثر مثبت و معناداری بر سازگاری اجتماعی داشته است

در تبیین یافته‌های این فرضیه باید گفت که رفتارها و عقاید مذهبی، تأثیر مثبتی در معنادار کردن زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به خداوند، عبادت، زیارت و... می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شوند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی و... همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با دارا بودن آنها

می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند. باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است تا حد بسیاری، اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد، به طوری که اغلب افراد مؤمن، ارتباط خود را با خداوند، مانند یک دوست بسیار صمیمی، توصیف می‌کنند و معتقدند می‌توان از طریق اتکا و توسل به خداوند، اثر موقعیت‌های غیر قابل کنترل را به طریقی کنترل نمود از طرف دیگر، عزت نفس عاملی مهم در زندگی افراد به شمار می‌آید عوامل متعددی از قبیل؛ فضیلت و پاکدامنی، صلاحیت علمی و فرهنگی، پذیرش جامعه، توجه و پذیرش دیگران و وجهه ظاهری می‌توانند بر شکل‌گیری عزت نفس تاثیر بگذارد. اجتماعی شدن، یک فرآیند دو جانبه ارتباطی میان فرد و جامعه است و در طول حیات انسان این فرآیند در دو مقوله یادگیری و یاددادن ادامه می‌یابد و سازگاری اجتماعی در قالب این فرایندها صورت می‌گیرد. مذهب می‌تواند در تمامی موقعیت‌ها، نقش مؤثری داشته باشد و در ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی فرد، فعالیت‌های مقابله، منابع حمایتی عزت نفس و سازگاری در جامعه، سبب کاهش گرفتاری روانی شود؛ بنابراین منطقی است آموزه‌های دینی و عزت نفس در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول نقش معنی‌داری داشته باشند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آذین، احمد و موسوی، سید محمود (۱۳۹۰) بررسی نقش عوامل آموزشی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان فریدونشهر. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم - شماره پیاپی (۴۱) - شماره اول - بهار ۱۳۹۰: ۱۸۳ - ۲۰۰.
۲. تونزنده جانی، حسن؛ صدیقی، کاظم؛ نجات، حمید و کمال پور، نسرین (۱۳۸۶) اثر بخشی آموزش‌های شناختی-رفتاری عزت نفس بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۱۶، ۱۳۸۶: ۴۱-۵۶.
۳. سام کن، معصومه؛ ستاری، کلثوم (۱۳۹۳). تاثیر افزایش عزت نفس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. مشاور مدرسه، دوره نهم، شماره ۳: ۲۳-۳۲.
۴. عسگری، ا. (۱۳۸۱) بررسی ازدواج مجدد همسران شهدا و تاثیر آن بر وضعیت روانی-اجتماعی، سازگاری و مشکلات تحصیلی فرزندان شاهد (اراک)، طرح پژوهشی با همکاری دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی، اداره تحقیقات و مطالعات.
۵. قهاری، ش. (۱۳۷۵) بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع اختلالات رفتاری و ایدایی و کمبود توجه، افسردگی و اضطراب فراگویی در کودکان شاهد، محروم از پدر، جانباز و دارای پدر شهید چالوس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۶. کلانتری، مهرداد؛ نشاط دوست، حمید طاهر؛ مولوی، حسین و آدم زاده، زهره (۱۳۷۸) بررسی تاثیر آموزش گروهی بر افزایش عزت نفس دختران نوجوان شاهد شهرستان اصفهان. دانش و پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان) (علوم انسانی)، شماره ۲، صص ۸۵-۹۶.

۷. لایبی مقدم، مسعود (۱۳۹۴). درآمدی بر جامعه شناسی دین. تهران: مرکز. ۱۳۹۴: ۵۰.
۸. لطف آبادی، حسین. (۱۳۹۴) سنجش و اندازه گیری در علوم تربیتی و روان شناسی: روان سنجی سنتی و رویکردهای جدید در سنجش. نشر سمت.
۹. معتمدی، سیدهادی؛ حاج بابایی، حسین؛ بیگلریان، اکبر و فلاح سلوکلائی، منیژه. (۱۳۹۱) تاثیر آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان دختر. فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۷-۲۹.
۱۰. وسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۹۱) بررسی سطح دینداری و گرایش های دینی دانشجویان امیر کبیر. نامه جامعه شناسی ایران. دوره هفتم. شماره ۴.
۱۱. شعاع کاظمی، مهر انگیز و مومنی جاوید، مهر آرا. (۱۳۹۰) بررسی مقایسه های رابطه ای رفتار جراتمندان، عزت نفس و جهتگیری مذهبی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۱۲، ۱۳۹۰: صص ۱۹۰-۱۳۹.
1. Anari Jaber A, Ravari A., Kazemi M.(2001) The effects of Ramadan fasting on self-esteem among the students in the school of nursing, midwifery and paramedics of Rafsanjan Medical College. Iranian journal of psychiatry and clinical psychology. ۷ (۱ and ۲): ۶۳-۶۸
 2. Bakhshayesh A.(2011) Forgiveness examines the relationship of reliance on God, self-esteem and academic achievement in students. J Psychol Relig. ۴ (۲): ۷۹-۹۸.
 3. Binsinger C, Laure P, Ambard M.(2005) Regular extracurricular sports practice does not prevent moderate or severe variations in self-esteem or trait anxiety in early adolescents. J Sports Sci Med ۵: ۱۲۳-۱۲۹.
 4. Fountoulakis, Konstantinos N, Siamouli, Melina, Magiria Stamatia, Kaprinis George, (۲۰۰۸) late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly, Interpreting the data. Medical Hypotheses. ۷۰, ۴۹۳-۴۹۶
 5. Granacher, JR, R. P, (۲۰۰۰) Emotional intelligence and the impacts of morality. Retrieved for world wide web. <http://www.info.com>
 6. Levin, J. S, & Taylor, R. J, (۱۹۹۸) Panel analyses of religious involvement and well-being in African-Americans, Contemporaneous vs longitudinal effects. Journal for the Scientific Study of Religion, ۳۷, ۶۹۵-۷۰۹
 7. Mann M, Hosman CM.H, Schaalma HP, de Vries NK.(2004) Self-esteem in a broad-spectrum approach for mental health promotion. Health Edu Res ۱۹ (۴): ۳۵۷-۷۲.
 8. Seif S, Jafari A.(2004) Examine the relationship between religiosity and marital satisfaction. New and Research of Consulting.; ۱۳: ۶۱-۷۹.
 9. Sobhi – Gharamaleki, N., & Rajabi, S.(2010) Efficacy of life skills training on increase of mental health and self-esteem of the students. Pracedia social and behavioral sciences, ۵, ۱۸۱۸-۱۸۲۲. ۲۰۱۰
 10. Steffen P.(2005) Does compassion mediate the intrinsic religion-health relationship?. Ann BehavMed. ۳۰ (۳). ۲۱۷-۲۲۴.

11. Wilde, Alex, & Joseph, Stephen, (۱۹۹۷) Religiosity and personality in a Moslem context, *Personality and Individual Differences*, ۲۳ (۵), ۸۹۹- ۹۰۰
12. Winfield, L. F, (۱۹۹۵) The knowledge base on resilience in African-American adolescents, *In L. J. Crockett, & A. C. Crouter (Eds.)*, Pathways through adolescence, Individual development in relation to social contexts. Mahway, NJ, Lawrence Erlbaum
13. Yang, Ke-Ping, Mao, Xiu-Ying, (۲۰۰۷) A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey, *International Journal of Nursing Studies* ۴۴, ۹۹۹-۱۰۱۰